

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۱۸ دسمبر ۲۰۱۵

آیا واقعاً "اشرف غنی" یک شخص درست گفتار و وطنپرست است؟

صفت "راست گفتار"، "وطن پرست" و "مردمی" به رئیس جمهور فعلی افغانستان، "اشرف غنی احمد زی"، که به عقیده من، مانند "کرزی"، "عبدالله" و سائر اشخاصی مانند آن ها، استحقاق و افتخار دریافت لقب "آقا" را ندارد، از طرف خانش، "رولاغی"، طی یک مصاحبه تلویزیونی، با توجه به کار نامه های بیشتر از یک سال وی و شکایات قاطبه ملت از وی و از مجموع اعضای حکومتش، استنباطی است به غایت اشتباه و باطل.

آیا این شخص، منظور "اشرف غنی" است، واقعاً انسان درست گفتار و درست کردار و وطن پرست و مردمی است؟ برای دریافت جواب صحیح به این سؤال، می خواهم به برخی از وعده ها و کار های وی از دوره پیش از آغاز انتخابات، آن گهی که کمپاین انتخاباتی وی هنوز رسماً شروع نشده بود، تا امروز رجوع کنم تا دیده شود که این زن و شوهر چقدر پای بند به گفتن حقیقت هستند، و چقدر قابل اعتماد می باشند!

یکی از وعده های این رئیس جمهور در روز های قبل، و در ایام انتخابات، به مردم این بود که او از طریق مهار آب های افغانستان در حدود یک میلیون خانواده افغان را صاحب شغل خواهد ساخت، زراعت کشور را میکانیزه یا صنعتی، کشور را معمور و آباد، از درک تولیدات زراعتی خود اکتفاء و دسترخوان مردم را پر و رنگین می سازد.

یک سال و چند ماهی از این وعده گذشت، ولی اثری از تحقق این وعده نه به نظر می رسد، و نه محسوس است. نه تنها خبری از دسترخوان پر و رنگین مردم بلاء کشیده و فقیر ما نیست، که کار برای مهار آب ها، که اولین مرحله الزامی برای توسعه زراعت و ایجاد شغل (برای یک میلیون خانواده در کشور ما است) نیز دیده نمی شود. اگر قبل بر آن مردم صاحب دسترخوانی بودند، امروز از دسترخوان هم خبری نیست!

در مورد صنعتی شدن کشور هم، که شوهر "رولا" خانم وعده نموده بود، طوری که امروز بعد از بیشتر از یک سال دیده می شود، به جای رشد صنعت و ایجاد فابریکه های جدید، مطابق ارقام و آماری که رسانه های جمعی کشور می دهند، بیشتر از ۱۲۰۰ فابریکه ای که در زمان رئیس جمهور پیشین ساخته شده بود نیز از کار افتاده و درهای آن ها بسته شده است. تنها در هرات بیشتر از ۱۳۰ فابریکه مسدود شده است!

در مورد بهبود اقتصاد، مطابق گزارش اتاق تجارت و صنایع، به قول "دوچه وله"، اقتصاد کشور بدتر شده است و سرمایه داران ورشکست شده و صنعت کاران مجبور به تغییر کسب و کار شان گردیده اند. این منبع همچنان از زبان

سخنگوی اتاق تجارت و صنایع، آقای "هاشم رسولی"، می نویسد که متأسفانه تمام شعار ها و صحبت هائی که رئیس جمهور و رئیس اجراییه داشتند تنها به حد شعار باقی ماند، حتی صحبت های آن ها هنوز روی کاغذ هم نیامده است. (این صحبت ها را حتماً "رولا" خانم نشنیده است؛ در غیر آن به صادق القول بودن و به وطن پرست بودن و مردمی بودن شوهرش با چنان اطمینان و شدت و قوت تأکید نمی ورزید و هم به یقین که وعده های قبل و ضمن انتخابات شوهرش را فراموش کرده است!!)

در باب عدم ایجاد شغل در سکتور زراعت فکر نکتم نیازی به دلیل و برهان باشد، زیرا چون وعده رئیس جمهور مبنی بر مهار دریا ها و صنعتی ساختن زراعت عملی نشده است، طبیعیت که اشتغال زائی هم در این بخش نمی تواند صورت بگیرد. علاوه بر این، گذشته از این که، خلاف وعده رئیس جمهور، کاری برای مردم ایجاد نشده است، با تأسف قرار گرفته همین منبع در حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد کارگران شرکت ها و فابریکه ها از کار اخراج شده اند. وقتی کارمندان یا کارگرانی که صاحب شغل هستند بیکار می شوند، انتظار استخدام کارگر یا کارمند، جدید و مزید بر آنچه شامل کار بوده اند، امری خواهد بود بسیار ابلهانه!

اگر "رولا" خانم سری به بازار کابل می زد، قبل از این که مصاحبه کند، به چشم سر، و به گوش های خود می دید و می شنید، که از دکاندار تا تنگ فروش و فروشنده دوره گرد و صاحبان کراچی و رستوران و هتل و... نسبت به کاهش درآمد و عاید خویش و نزول قدرت خرید مردم شکایت دارند.

وجود هزارها زن و دختر تن فروش و حامله های خیابانی به قول و بسایت "آریانا افغانستان" فکر می کنم هم به اصطلاح انگلیسی زبانان "black mark" یست بر پشانی "اشرف غنی" و "عبدالله" و همکاران و حامیان خارجی شان.

سیل مهاجرانی که نسبت بی کاری و فقر و نبود امنیت وطن را ترک نموده با هزار ها مشکل، حتا با به خطر انداختن جان خود و زن و اولاد معصوم شان، می خواهند خود را به جای امنی برسانند، بهترین سند برای بی کفایتی "اشرف غنی" و "عبدالله عبدالله" و تیم کاری شان است. نمی دانم "رولا" خانم با کدام عقل و سنجش و با کدام معیارها و با کدام دست آویزی ادعا می کند که "اشرف غنی" شخصی درست کار و درست گفتار و وطن پرست و مردمی و فعال و کارکنی است؟

آیا "رولا" خانم در افغانستان تشریف دارند؟ آیا اخبار روزانه رسانه های غیر دولتی را گوش می دهد؛ یا می خواند؟ من شخصاً فکر نمی کنم، زیرا اگر او در افغانستان می بود، حالت زار مردم، فساد موجود مالی، اداری و سیاسی در افغانستان را می دید و به روزنامه ها نظری می کرد و به تلویزیون ها گوش می داد، بدون تردید همه کمی ها و کاستی ها، و همه نارسائی ها و بی کفایتی های دولت، به ویژه کمی ها و کاستی ها و بی کفایتی ها و دروغ های شوهرش را می دید و او را شخصی درست گفتار و درست کردار و امین و وطن پرست و مردمی و ... نمی نامید!

مدرک دیگر برای صادق القول و صادق الوعه نبودن "اشرف غنی" این است، که او خلاف وعده هایش افراد مسلکی و صاحب تخصص را در رأس ادارات دولتی نصب نکرد. "محقق"، "دوستم"، "ضیاء مسعود"، "سلطان زوی"، "استانکزی" سرپرست وزارت دفاع ملی، "ربانی" وزیر خارجه و چندین انسان دیگر، به طورمثال، هیچ کدام نه مسلکی هستند و نه در حد تخصص تحصیل کرده اند.

"دوستم" از این میان، به قول خود اشرف غنی، منتشره در وبسایت کابل پرس، یک قاتل است. "اشرف غنی" "دوستم" را سال ها قبل، در دوران حاکمیت "کرزی"، یک "قاتل شناخته شده" اعلام نموده بود. اما، در ایام انتخابات سخنش را پس گرفت و او را تبرئه کرده با بی شرمی به عنوان معاون خود انتخاب نمود؛ تنها برای کسب رأی مردمانی که از

"دوستم" پشتیبانی می کردند؛ درحالی که "دوستم" واقعاً چه در زمان "کارمل - نجیب"، چه در زمان به اصطلاح جهادی ها و چه در زمانی که امریگانی ها به افغانستان حمله نمودند، هزاران مصیبت و فاجعه آفرید و ده ها هزار انسان را به قتل رساند.

وطن پرستی و مردم گرایی و صداقت در پندار و گفتار و کردار آیا همین است که یک قاتل حرفه ئی و وحشی را به کرسی معاونیت ریاست جمهوری انتخاب و بر گرده مردم سوار کنید؟؟!! همین طور "محقق"، "اتمر" و "علومی" و کسانی دیگری را که تا دیروز علاوه بر این که صد ها و هزار ها انسان را کشته اند و خانه های مردم را خراب ساخته اند، در خدمت ایران و پاکستان و روس بودند - و با احتمال زیاد همین اکنون هم در خدمت این کشور ها هستند! یا "دانش" فاقد توانائی کار و بی محافظه کار را!

مبارزه با فساد، یکی دیگر از وعده های "اشرف غنی" بود که قبل، و در ایام انتخابات به مردم داده بود. اخیراً ریاست برشنا اعلام نمود که ۲۵ یا ۲۷ اداره دولتی پول برق شان را که چیزی بیشتر از دو میلیارد و دو صد - یا هفت صد - میلیون افغانی می شود نپرداخته اند. آقای "فقیر فقیر" که به گمان زیاد در شهر کابل زندگی می کنند و از جریانات به خوبی مطلع اند، طی یک طنز زیبا نوشته می کنند که پول برق تمام ادارات دولتی از جانب وزارت مالیه در بودیجه این ادارات تخصیص داده شده و به این ادارات پرداخت شده است. این پول کجا شده و چرا به شرکت برشنا پرداخت نمی شود؟ سه یا چهار روز قبل شنیدم که در نظر است از ازبکستان باز هم برق وارد گردد. با این همه دریا و آب، آیا شنیدن این چنین اخبار قابل حیرت نیست؛ "رولا" خانم؟

مشاور اقتصادی "اشرف غنی"، "زاخیل وال"، که هم در زمان "کرزی" از طرف کمیسیونی متهم به اختلاس شده بود و هم در دوران خود "اشرف غنی" از سوئی کمیسیونی که خود "اشرف غنی" آن را تعیین کرده بود؛ هنوز در کنار رئیس جمهور کار می کند. "اشرف غنی" که قول مبارزه با فساد را داده بود، و صادق القول هم است، چرا در مورد این انسان فاسد سکوت اختیار نموده است؟

قضیه کابل بانک، در حالی که یک هفته از کار "اشرف غنی" نگذشته بود که موضوع آن روی دست گرفته شد، هنوز پای به پای نشده است. دست بازی های "سلطان زوی" در اجاره یا فروش تکت هواپیما ها و... سوءاستفاده از قدرت مقامات بلند رتبه و سکوت "اشرف غنی". عدم اجرای برنامه صد روز اول کار ریاست جمهوری، که وعده نموده بود و... اصلاً دروغ های شاخداری بودند که با بی شرمی تمام و با تعجب و حیرت مردم از این همه دیده درائی، اعلام شد. کابینه که تا کم و بیش شش ماه بعد از اعلام حکومت وحدت ملی اصلاً معلوم نبود، هنوز هم به نحوه کامل تکمیل نشده است. وزارت دفاع، یکی از کلیدی ترین وزارت ها، تا هنوز وزیر ندارد! بزرگ ترین ناکامی دولت عدم توزیع شناسنامه های الکترونیک بود که سبب عدم برگزاری انتخابات مجلس شد. افغانستان در واقع فعلاً بدون مجلس نمایندگان است. مسؤول این کاستی در کار کیست، غیر از "اشرف غنی"؟

کار تحقیق و بررسی تقلباتی که در ایام انتخابات از سوی کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات شده بود، با وجودی که در توافق نامه ای میان رئیس جمهور و رئیس اجرائیه قید شده بود که به اسرع وقت شروع می شود، هنوز هم شروع نشده است. چرا "چون" "اشرف غنی" می ترسد که مبادا تقلب هایش افشاء شود. "امرخیل"، رئیس دارالانشای کمیسیون انتخابات، با آن که بالفعل در تقلب گرفتار شد، به جای این که مورد باز پرس و تحقیق و مجازات قرار بگیرد، با چندین موتر جیب لندکروزر ضد گلوله و چندین "بادی گارد" و معاش گزاف دولتی آزاد می گردد. خرج یک روز این انسان، بی گمان برابر خواهد بود با مصرف زندگی پنج هزار انسان بی نوا در کشور در یک روز. همین است نشان صداقت و

مردمی بودن "اشرف غنی"؟! چرا این انسان مورد پیگردی قرار نمی گیرد؟ برای این که سیاه کاری های "کرزی" که به موافقه خود "اشرف غنی" صورت گرفته بود، افشاء می شود!

طالب که تا دیروز، در زمان "کرزی"، تنها در جنوب کشور هر از گاهی کله کشک می کرد، اینک ولسوالی پشت ولسوالی و شهر پشت شهر را اشغال می کند. در دانشگاه ها رخنه می کند و در شهر جلال آباد رادیویی به نام گروه دیگری به نام داعش به فعالیت آغاز می نماید و...

در باب وطن پرستی "اشرف غنی" تنها یک سؤال از "رولا" خانم دارم: چگونه شما یک انسانی را که وزیر خارجه یک کشور بیگانه می آید و وی را به کرسی ریاست جمهوری می نشاند، وطن پرست می خوانید؟ در کدام کشور مستقل جهان شما شاهد بوده اید که یک انسان وطن پرست، یک انسان واقعاً آزاد و مستقل و ملی از جانب نماینده یک کشور غیر به مقام ریاست جمهوری نصب گردد؟ می خواهم شما لطف کنید و فقط یک کشور آزاد و مستقل را به عنوان نمونه در تاریخ به من معرفی کنید!!

وطن پرستی، آزادی و استقلال و ملی گرایی اگر همین است، چرا شما و امثال شما "کارمل" و "شاه شجاع" و "عبدالرحمان خان" و امثالهم را خائن و وطن فروش و... می خوانید؟ این ها چه کاری کردند که شوهر شما و "کرزی" نکرد؟

تنها کاری که "اشرف غنی" در دوران کاری اش کرد، امضای موافقت نامه امنیتی بود؛ آنهم به نفع امریکا. نفع افغانستان در عمل از این موافقت نامه چه است؟ طالب حضور دارد، جنگ پایان نیافته است، حکومت هنوز به دست باند های مختلف است، مردم کشته می شوند، مداخله پاکستان هنوز هم قطع نشده است و... سود این موافقت نامه برای ما چه بود؟

آیا کش مکش هایی که میان "اشرف غنی" و "عبدالله عبدالله" رخ داد و منتج به آمدن "جان کری" و تأسیس حکومت به اصطلاح وحدت ملی، که خیلی ها آن را حکومت خیانت ملی می خوانند، کار وطن پرستانه بود؟ "اشرف غنی" اگر واقعاً یک انسان وطن پرست می بود، اعلام می کرد که برای جلوگیری از تشتت و پراگندگی و برهم خوردن نظم و اداره در کشور و پیشگیری از وقوع نفاق و دشمنی و جنگ که در این شرائط سم مهلک و کشنده ای است برای کشور، من می خواهم به شکل داوطلبانه از کاندیدای ریاست جمهوری و از ریاست دست بکشم. یا آن دیگرش!!

از مرد وطن پرست، دور اندیش و صاحب خرد، در چنین شرائطی مردم این چنین انتظار دارند، نه این که حتا به قیمت بر باد دادن هستی کشورش که بدون آن هم دستخوش بحران و نفاق و جنگ و هزار بدبختی دیگر است، بکوشد به هر نحوی که شده به ریاست کشور دست پیدا کند! این کار خود خواهی است، نه وطن خواهی. در فکر خود بودن است، نه در فکر مردم بودن. عشق به خود است، نه عشق به مردم و خاک!! و ده ها و صد ها موضوع و مطلب دیگر، که آن چنان عیان است، هیچ حاجت به بیان نیست؛ "رولا" خانم عزیز! همه مهری است بر سند محکومیت شوهر شما!!

گناه شما نیست! تقریباً هر زنی می کوشد که از شوهرش دفاع کند. شما هم یک زن هستید، و باید بر طبق این اصل این کار را بکنید. تنها زنانی از این امر مستثناً هستند، یعنی تحت هیچ شرطی از گفتن حرف راست اباء نمی ورزند، که خود را اولتر از زن، یعنی همسر بودن کسی، انسانی به حساب بیاورند که در برابر، وجدان و در برابر یک کشور و در برابر مردم آن اخلاقاً مسؤول احساس کنند. شما، اما، می بخشید، اگر با این صراحت این واقعیت را بیان می کنم، از سخنان تان معلوم می شود، که در شمار این چنین زنان دارای قدر و بزرگی قرار ندارید.

خوب است، اگر آدم در کنار زن یا شوهر خود باشد، ولی چون انسان پیشتر از این که زن یا شوهر باشد، انسان است، لازم تر است که پیشتر و بیشتر در کنار انسان ها باشد تا در کنار زن یا شوهرش!

البته "عبدالله عبدالله" نیز قبل و در روز های انتخابات چنین وعده هائی را به مردم به گونه دیگری داده بود، اما در این جا من خواستم تنها به کارکرد های "اشرف غنی" و این که چقدر این انسان صادق الوعد به قول خانش به وعده هایش وفا نموده و نشان داده است که یک انسان صادق القول است، تمرکز نمایم!

۲۰۱۵/۱۲/۱۷